

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- اعتراضات زندانیان سیاسی اوین در شب جان باختن سمیه رشیدی
- امتناع از دریافت غذا، سرود خوانی و سر دادن شعار از سوی زنان خشمگین زندانی سیاسی قرچک ورامین در اعتراض به قتل سمیه رشیدی
- بیانیه ۴۵ تن از زندانیان سیاسی زن زندان قرچک ورامین :
- سمیه رشیدی سرشار از میل به زندگی و آزادی بود
- سایه صیدال: سمیه رشیدی عضو هیچ گروه و جناحی نبود، فقط کارگری بود که به جرم شعارنویسی بازداشت شد
- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران:
- قتل تدریجی در قرچک؛ سمیه رشیدی قربانی محرومیت عامدانه از درمان شد
- ندای زنان ایران:
- مرگ سمیه زنگ خطری که بارها به صدا در آمده است را این بار بسیار سهمگین تر به صدا در آورد.
- جان زندانیان در خطر است!

- شورای بازنشستگان ایران:

جمهوری اسلامی مسبب قتل سمیه رشیدی است! سمیه رشیدی تکرار قتل بکتاش آبتین!

- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵

- تجمع اعتراضی اهالی روستای تهلاب نسبت به انتقال آب این منطقه به زاهدان

- کانون نویسندگان ایران:

تایید حکم اعدام پیمان فرح‌آور

- اعزام داود رضوی به دندان‌پزشکی پس از مقاومت در برابر تحمیل لباس زندان

*اعتراضات زندانیان سیاسی اوین در شب جان باختن سمیه رشیدی

امتناع از دریافت غذا، سرود خوانی و سر دادن شعار از سوی زنان خشمگین زندانی سیاسی قرچک ورامین در اعتراض به قتل سمیه رشیدی

اعتراضات زندانیان سیاسی اوین در شب جان باختن سمیه رشیدی

زندانیان سیاسی اوین با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که در اعتراض به مرگ سمیه رشیدی، زندانی سیاسی محبوس در زندان قرچک، از حضور در آمار روزانه خودداری کرده‌اند.

آنها همچنین امشب در نافرمانی مدنی اعتراضی حیاط زندان را ترک نکرده و اعلام کرده‌اند تا ساعت ۲۱ به داخل بند نمی‌روند.

زندانیان همچنین با تجمع در حیاط زندان و سر دادن شعارهایی علیه نظام و مسئولان قضایی، مرگ سمیه رشیدی را «جنایت» توصیف کرده و یاد او را گرامی داشته‌اند.

متن بیانیه زندانیان اوین

«ما زندانیان سیاسی اوین، مرگ سمیه رشیدی را نه یک حادثه، که جنایتی سازمان‌یافته می‌دانیم. او قربانی محرومیت از درمان و بی‌توجهی عامدانه‌ای شد که سال‌هاست جان زندانیان را تهدید می‌کند.

در اعتراض به این جنایت، از شرکت در آمار روزانه خودداری کرده و با حضور در حیاط زندان و سر دادن شعار، یاد او را زنده نگاه داشتیم.

سمیه رشیدی نماد مقاومت و مظلومیت است و ما عهد می‌بندیم که یاد او و دیگر قربانیان این نظام سرکوبگر را زنده نگه داریم. این صدا خاموش نخواهد شد.»

امتناع از دریافت غذا، سرود خوانی و سر دادن شعار از سوی زنان خشمگین زندانی سیاسی قرچک ورامین در اعتراض به قتل سمیه رشیدی

بنابر گزارشها، ساعتی پس از رسیدن خبر جان باختن «سمیه رشیدی»، کارگر زندانی که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در زندان قرچک جان باخت، زنان زندانی سیاسی محبوس در این زندان با امتناع از دریافت غذا، شعاردهی و سرودخوانی دست به اعتراض زدند.

در فایل صوتی که از تماس زندانیان ضبط شده است زنان زندانی سیاسی محبوس در قرچک با سر دادن شعار و خواندن سرودهایی چون «خون ارغوان‌ها» و «سمیه غرق خونه» نسبت به مرگ سمیه و سیاست حذف فیزیکی زندانیان سیاسی اعتراض می‌کنند.

*بیانیه ۴۵ تن از زندانیان سیاسی زن زندان قرچک ورامین :

سمیه رشیدی سرشار از میل به زندگی و آزادی بود

ضمن تسلیت به تمامی آزادی‌خواهان و زندانیان سیاسی و خانواده سمیه رشیدی، همبندی جان‌باخته‌مان. امروز سوم مهرماه ۱۴۰۴ خبر جان‌باختن همبندی‌مان سمیه رشیدی را در حالی می‌شنویم که اخبار ضد و نقیض شرح حال وضعیت او را به دور از واقعیت و با تحریفات دروغین بازنمایی می‌کند. ما ۴۵ نفر از زندانیان زن بند سیاسی زندان قرچک ورامین شهادت می‌دهیم سمیه رشیدی نه به اعتیاد به مواد مخدر دچار بود و نه از بیماری روانی مشخصی رنج می‌برد. ما شهادت می‌دهیم سمیه رشیدی با اطلاع کامل مسئولان امنیتی، سازمان زندان‌ها، زندان اوین، زندان قرچک، بهداری زندان قرچک از زمان بدو ورود به زندان به بیماری صرع مبتلا بود و بارها در برابر چشمان‌مان، به‌ویژه در دو ماه اخیر دچار تشنج‌های شدید در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت شده و پس از انتقال به بهداری، بدون اعزام به بیمارستان جهت بستری، بدون رسیدگی به وضعیت اضطراری ایشان یعنی عدم تحمل مسئولیت کیفری او را به زندان باز می‌گرداندند. ما همبندی‌های سمیه رشیدی شهادت می‌دهیم او تا لحظه آخر سرشار از میل به زندگی و آزادی بود و تا روزهای واپسین مصرانه پیگیر وثیقه تعیین شده به ارزش سه میلیارد تومان بود که در هر صورت خانواده‌اش قادر به تامین آن نشدند. مسئولان زندان قرچک و اوین و بازپرسی دادگاه کچوئی با اطلاع کامل از شرایط سلامتی او با گذشت نزدیک به پنج ماه اقدامی برای تسهیل آزادی او نکردند. اکنون که سمیه عزیزمان قربانی بی‌کفایتی و دروغ‌پردازی‌های عامدانه و همیشگی شده است، اخطار می‌دهیم «سمیه»‌های دیگر نیز همچنان در کنار ما و در سایر زندان‌های جمهوری اسلامی در بند هستند و سلامتی‌شان در خطر است. شهادی بر این ادعا از دست دادن جان دو نفر از زندانیان جرائم عمومی در زندان قرچک در هفته پیش در سکوت و بی‌خبری است. ما تکرار چنین فاجعه‌ای را بر نمی‌تابیم و هرچه‌زودتر خواهان اقدامات لازم جهت آزادی زندانیان بالای ۶۰ سال و نیز همبندی‌هایمان با شرایط خطرناک سلامتی هستیم.

۴۵ تن از زندانیان سیاسی زن زندان قرچک ورامین

سوم مهر ۱۴۰۴

***سایه صیدال: سمیه رشیدی عضو هیچ گروه و جناحی نبود، فقط کارگری بود که به جرم شعارنویسی بازداشت شد**

سایه صیدال، زندانی سیاسی، روز پنجشنبه ۳ مهر ۱۴۰۴، در استوری اینستاگرامی در واکنش به «برچسب‌زنی» علیه سمیه رشیدی – که صبح امروز در بیمارستان مفتاح ورامین بر اثر بیماری و محرومیت از درمان به‌موقع درگذشت، اعلام کرد:

«سمیه رشیدی عضو هیچ گروه و سازمانی نبوده و تنها کارگری بود که به دلیل شعارنویسی بازداشت شده بود.»

صیدال، که خود سابقه زندان دارد، این برچسب‌زنی را تلاشی برای توجیه مرگ رشیدی توصیف کرد و نوشت: «او فقط یک کارگر ساده بود که صدای اعتراض را بر دیوار نوشت.»

***شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران:**

قتل تدریجی در قرچک؛ سمیه رشیدی قربانی محرومیت عامدانه از درمان شد

صبح امروز پنجشنبه ۳ مهر ۱۴۰۴، سمیه رشیدی، زندانی سیاسی، به دلیل محرومیت عامدانه از رسیدگی درمانی جان باخت. او که در اردیبهشت سال جاری به جرم نوشتن شعارهای آزادی‌خواهانه بازداشت شده بود، پس از انتقال به زندان قرچک ورامین، در معرض شکنجه، بی‌توجهی درمانی و محرومیت‌های سیستماتیک قرار داشت.

مرگ سمیه نتیجه‌ی مستقیم سیاست‌هایی است که از قوه قضاییه تا سازمان زندان‌ها و شخص صغری خدادادی، رئیس زندان قرچک اعمال می‌کنند. این مرگ نه «حادثه»، که بخشی از روند کشتار خاموشی است که هر روز در زندان‌ها جریان دارد. تنها چند روز پیش نیز #جمیله_عزیزی، در همین زندان به دلیل تعلل عامدانه در درمان جان سپرد.

قرچک امروز یک زندان عادی نیست؛ قتلگاه رسمی زنان است. در این مکان، زندانیان تحت یورش‌های ضدشورش، گرسنگی و تشنگی اجباری، پرونده‌سازی امنیتی و محرومیت آگاهانه از درمان قرار می‌گیرند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با محکوم کردن این جنایت، همبستگی خود را با خانواده و دوستان سمیه رشیدی و همه‌ی زندانیان ستمدیده اعلام می‌کند و بار دیگر بر ضرورت همگرایی و اتحاد نیروهای آزادی‌خواه، کارگران، زنان، دانشجویان و معلمان برای مقابله با ظلم و بی‌عدالتی تأکید می‌ورزد.

***ندای زنان ایران:**

مرگ سمیه زنگ خطری که بارها به صدا در آمده است را این بار بسیار سهمگین تر به صدا در آورد.

جان زندانیان در خطر است!

سمیه رشیدی کارگر ۴۲ ساله از محله جوادیه تهران که فریاد اعتراضش را بر دیوارها ثبت می کرد ، در چهارم اردیبهشت به جرم شعارنویسی دستگیر شد و تحت فشار و ضرب و شتم قرار گرفت و به زندان افکنده شد.

سمیه رشیدی از جهنم قرچک که زندانیان بدور از درمان مناسب و شرایط بسیار جانفرسا قرار دارند سرانجام با سطح هوشیاری بسیار پایین به بیمارستان مفتاح ورامین منتقل شد و در آنجا به کما رفت و بعد از چند روز مرگ احتمالی حکومتی او را به کام خود فرو برد.

جنایت مرگ خاموش که بسیاری از زندانیان را تهدید می کند و مقامات زندان و قوه قضاییه هیچ ارزشی برای جان زندانیان قائل نمی باشند.

مرگ سمیه زنگ خطری که بارها به صدا در آمده است را این بار بسیار سهمگین تر به صدا در آورد.

جان زندانیان در خطر است!

شرایط زندانها و نبود امکانات بهداشتی و درمانی مصداق بارز شکنجه و قتل حکومتی است.

مرگ سمیه برگ جنایت دیگری به قتل های حکومتی در سالیان گذشته می باشد.

#سمیه_رشیدی

#زندان_قرچک

#مرگ_خاموش

#آزادی_زندانیان_سیاسی

جان زندانیان در خطر است!

ندای زنان ایران

مهر ۱۴۰۴

*شورای بازنشستگان ایران:

جمهوری اسلامی مسبب قتل سمیه رشیدی است! سمیه رشیدی تکرار قتل بکتاش آبتین!

همانگونه که زهرا کاظمی، ستار بهشتی ، آبتین و.. کشته شدند، سمیه هم به قتل رسید. او یک کارگر معترض به شرایط خفت بار زندگی بود.

ترس از ادامه جنبش زن ، زندگی آزادی ، حکومت را مستأصل کرده و چاره کار را در ارباب جامعه با زندان و چوبه های دار می بیند،

مستأصل از پیشروی جنبش های اعتراضی/ انقلابی این مردم که پایه ای ترین بستر سرکوب یعنی حجاب را به زیر کشیده اند.

دستگاه قضایی دیگر حتی قادر به سرکوب سیستماتیک و متعارف در چهار چوب قانون خودش هم نیست و به همین دلیل در برابر اعتراضات و اعتصابات مردم به ترورهای سیاسی و اعدام ها و آدم ربائی چنگ انداخته است.

تامین سلامت و جان زندانی با هر اتهام و عقیده ای از حقوق اولیه ی یک زندانی است که در این سیستم بطرز وقیحانه ای نادیده گرفته شده است.

اما شما، نه میتوانید مردم مترصد فرصت را منکوب کنید و نه میتوانید جامعه را به عقب برگردانید. سمیه در بی دفاع ترین شرایط ممکن جانش را از دست داد و مردم این فاجعه را نه میبخشند و نه فراموش می کنند.

شورای بازنشستگان ایران

***بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۴- ۱۴۰۵**

با آغاز سال تحصیلی تازه، بار دیگر زنگ مدارس در سرزمینی به صدا درمی آید که معلمان و دانش آموزانش سالهاست میان امید و رنج، میان آرزو و واقعیت، میان آزادی خواهی و سرکوب، در رفت و آمدند.

مهر برای ما تنها فصل مدرسه نیست؛ یادآور خونهای ریخته شده بر خاک وطن است، یادآور معلمانی است که به جرم آزادی خواهی در زندان و تبعید و محرومیت به سر می پرند، یادآور دانش آموزانی است که در خیابانهای این دیار فریاد زدند و توان دادند.

اما چه تلخ است که در چنین سرزمینی، مدرسه به جای پرورش اندیشه و خلاقیت، به پادگانی بدل شده که در آن باید فرمان برد، سکوت کرد و از پرسش پرهیز نمود و آموزش و پرورش، که می توانست کانون زایش اندیشه، ادب، هنر، فلسفه و علم باشد، زیر چرخهای سنگین ایدئولوژی حاکم به نهادی سرکوبگر و طبقاتی فروکاسته شده است.

این نظام، به جای ارج نهادن به معلم خلاق و دانش آموز پرسشگر، آنان را به جرم آزاد اندیشی سرکوب می کند و در عوض، متحجران و فرمان برداران را بر صدر می نشاند.

احکام تخلفات اداری برای ده ها معلم کردستانی در سنج و بانه و احکام ارتجاعی دادگاه های انقلاب در کرمان و خوزستان که دقیقا در آستانه ی بازگشایی مدارس صادر گردیده است، همچنین یورش نیروهای امنیتی به مجمع عمومی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در شهرضا، به وضوح، نشان دهنده ی سیاست سرکوبگرانه ای ست که حاکمیت برای مواجهه با عدالت خواهان در پیش گرفته است.

فرهنگیان این سرزمین سال‌هاست فریاد می‌زنند؛ معلمی که نان و درمان و امنیت ندارد، نمی‌تواند شمع فروزان کلاس درس باشد. معلمی که در دغدغه معیشت فرومی‌رود، چگونه می‌تواند نسل آینده را به افق‌های بلند ببرد؟ و دانش‌آموزی که در کلاس‌های پرجمعیت و مدارس فرسوده و بدون امکانات درس می‌خواند، چگونه می‌تواند رویای فردایی برابر و روشن را در دل بپروراند؟

شکاف طبقاتی امروز در کنکور، در معدل‌ها، در فرصت‌های یادگیری، آینه‌ی تمام‌نمای این تبعیض ساختاری است؛ تبعیضی که آینده یک ملت را به نابودی می‌کشانند. این که ۸۰ درصد مدارس دولتی از رقابت با مدارس خاص بازمانده‌اند، عمق فاجعه را نشان می‌دهد.

در همین راستا، بازنشستگان که سرمایه‌های انسانی و گنجینه‌های تجربه‌اند، سال‌هاست که با بی‌توجهی و بی‌اعتنایی مواجه‌اند و مسئولان آنان را به حاشیه رانده‌اند و در پیری و بیماری با دست‌های تهی رها کرده‌اند. این بی‌عدالتی تنها جفا به بازنشستگان نیست، جفا به تاریخ آموزش این سرزمین است.

شورای هماهنگی هشدار می‌دهد: وعده‌های بی‌پشتوانه و سخنان بی‌عمل دیگر خریداری ندارد. مردم، معلمان و دانش‌آموزان، بارها تجربه کرده‌اند که جز همبستگی و حضور جمعی، هیچ راهی برای ستاندن حق وجود ندارد. از همین‌رو، ما همه فرهنگیان را به اتحاد و حضور در تشکل‌ها فرا می‌خوانیم تا صدای بلند عدالت آموزشی، کرامت معلم و آزادی اندیشه را رساتر از همیشه به گوش حاکمان برسانیم.

راه آینده تنها از دل اتحاد و همبستگی می‌گذرد. ما خواستار آنیم که آموزش و پرورش از بند ایدئولوژی رها شود، رایگان و برابر برای همه فرزندان این سرزمین باشد و معلم با عزت و احترام در جایگاه شایسته خود بنشیند. اگر امروز برای این خواسته‌ها تلاش نکنیم، فردا چیزی از امید و آینده برای فرزندانمان باقی نخواهد ماند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

مهر ماه ۱۴۰۴

***تجمع اعتراضی اهالی روستای تهلاب نسبت به انتقال آب این منطقه به زاهدان**

روز پنج‌شنبه ۳ مهر، اهالی روستای تهلاب از توابع بخش ریگ ملک، شهرستان میرجاوه، استان سیستان و بلوچستان برای اعتراض به انتقال آب این منطقه به زاهدان دست به تجمع زدند.

به گزارش یک منبع خبری محلی، اهالی تهلاب در حالی تجمع کردند که جمهوری اسلامی قصد دارد آب این منطقه را به زاهدان منتقل کند که باعث از بین رفتن کشاورزی و آب‌های زیرزمینی با برداشت بی‌رویه آن می‌شود.

بنابراین گزارش، مردم معترض می‌گویند که مرزها بسته شده و هیچ‌گونه راه‌آرام‌معاشی وجود ندارد و با انتقال آب، کشاورزی و دامداری در این منطقه نیز از بین خواهد رفت.

کانون نویسندگان ایران:

***تأیید حکم اعدام پیمان فرح‌آور**

حکم اعدام پیمان (امین) فرح‌آور، ترانه‌سرای اهل گیلان، که در شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب رشت صادر شده بود، در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور عیناً تأیید شد.

وکیل او با اعلام این خبر افزوده است: «با وجود این که فرجام‌خواهی از سوی دادگاه رد شده است، درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور ارائه خواهد شد.»

پیمان فرح‌آور شهریورماه ۱۴۰۳ به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد. او پس از بازجویی به زندان لاکان رشت منتقل شد و اکنون چندین ماه است که در بازداشت موقت به سر می‌برد.

فرح‌آور در اردیبهشت‌ماه سال جاری در دادگاه انقلاب رشت، «بدون حضور وکیل انتخابی و در جلسه‌ای غیرعلنی»، محاکمه و به اتهام «بغی» و «محاربه» به اعدام محکوم شد.

به نقل از برخی خبرگزاری‌ها نزدیکان او اعلام کرده‌اند که این اتهام‌ها بر پایه‌ی ترانه‌ها و فعالیت‌هایش در زمینه‌ی «عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی» صادر شده است.

***اعزام داود رضوی به دندان‌پزشکی پس از مقاومت در برابر تحمیل لباس زندان**

داود رضوی، کارگر زندانی و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، روز گذشته (۲ مهر) برای انجام درمان دندان‌پزشکی و گذاشتن ایمپلنت به دندان‌پزشکی اعزام شد.

در ابتدا مأموران زندان اصرار داشتند که او باید با لباس زندان اعزام شود، اما رضوی با این موضوع مخالفت کرد و یادآور شد که روز قبل نیز به‌دلیل همین اجبار از اعزام برای درمان مشکلات گوارشی‌اش محروم شده است. او تأکید کرد که در صورت تشدید مشکلات جسمی ناشی از نرفتن به دندان‌پزشکی، مسئولیت آن متوجه مقامات زندان خواهد بود.

در پی این اعتراض، سرانجام با اعزام داود رضوی بدون پوشیدن لباس زندان موافقت شد و او موفق شد درمان دندان‌پزشکی خود را انجام دهد. پس از پایان کار درمانی، وی به زندان بازگردانده شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد، ضمن استقبال از اعزام داود رضوی برای دریافت بخشی از درمان‌های ضروری‌اش، تأکید می‌کند که حق درمان یک حق اولیه و مسلم هر زندانی است و هیچ‌گونه شرط‌گذاری و مانع‌تراشی در این مسیر قابل قبول نیست. ما هرگونه فشار و اجبار غیرقانونی برای تحمیل لباس زندان به زندانیان را محکوم کرده و خواهان تأمین کامل و بی‌قیدوشرط خدمات درمانی برای داود رضوی و دیگر زندانیان هستیم.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سوم مهر ۱۴۰۴

